

برای نهاد بد محکرمین کینین هولاندی و وادار نمودن ایشان به تساهل و ارزانفروشی
بیکار رفته باشد.

طوری که نگاشته آمداداره کینین هولاند هنوزم از مقابله و رقابت دول
هم چشم برکنار بوده زگویا مدت زیادی همین طور دوام خواهد نمود.

ادبیات انگلیسی

ترجمه محترم عبدالرحمن خان متعلم اعدادیه حبیبیه

قبل از دوره الیزابت

(ابتدای زبان انگلیسی)

آغاز وجود زبان انگلیسی در طرز جدید امر و زه دوره بلبلکه الیزابت است .
انگلیسی دوره الیزابت که گفتار شکسته و آهسته آغاز میگردد بجز بعضی الفاظ و فقرتی
که اکنون از استعمال افتاده اند می تواند معیار زبان امر و زه انگلیسی گفته
شود ، اما اگر بمطالعه آثار صدسال قبل ازین دوره پردازیم همانا انگلیسی
آن زمان را دارای اختلافات نهایی و بعضی از الفاظ و عباراتش را برای یک
خواننده معاصر دارای بسی اشکالات مشاهده خواهیم کرد .

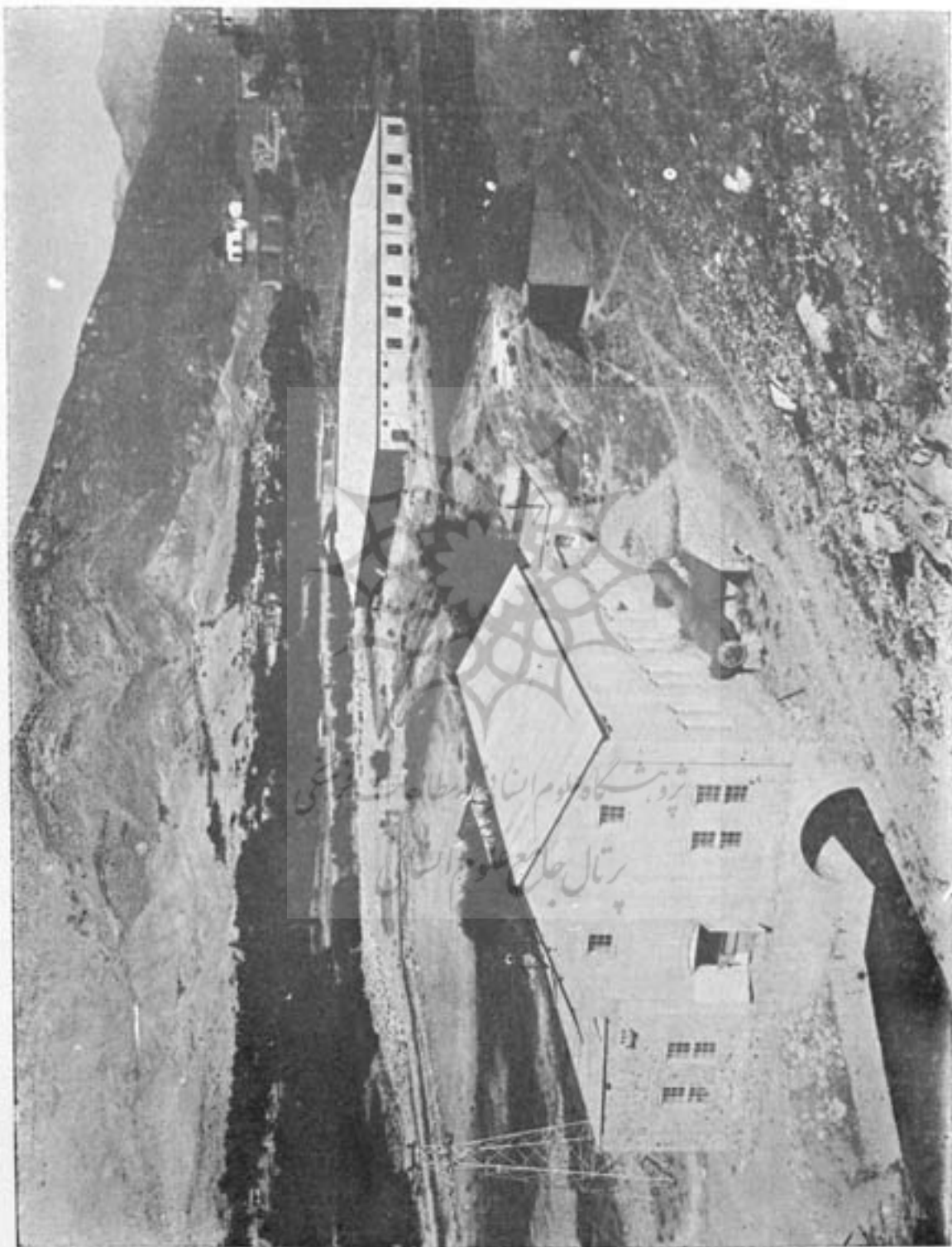
امروزه زبان انگلیسی موجوده عناصر مختلفه ایست که مهمترین آن دو عنصر
بنام انگلوساکن و نارمن فرنج میباشد . در سال ۱۰۶۶ * ولیم فاتح * از نارمندی
حرکت کرده جزائر برطیبه را که چند صدسال قبل مسکن اقوام مختلف * تیوتون *

که مهمترین آنها «انگلیها» و «ساکنها» بودند در حیطه تصرف خود در آورد، ازینرو لسان این خطه قبل از ورود نارمنها انگلو ساکن که می تواند یکی از شعبات لسان جرمنش نامید، بوده است. سال ۱۰۶۶ دوره جدیدی را در انگلستان آغاز نمود، نه تنها نظورات را در سیاست آن کارگر شد بلکه حالت اجتماعی و ادبی آنرا نیز تغییر داد.

نارمندها هنگام فتح خود تا مدتی با هالی آن سرزمین پیوسته لسان مادری خود یعنی فرانسه را جاری داشتند و همچنین مغلوبین آن و لاغیا این خود را با نظر نفرت تلافی کرده در زبان انگلو ساکن تکلم می نمودند. طبقه روحانیون زبان لاتینی را استعمال نمود و محاکمات را نیز در این زبان اجرا می کردند. یعنی در این دوره خاک انگلستان سه زبان: لاتینی، فرانسه، و انگلو ساکن را در خود جاداده بود.

بعد از مرور زمان، چنانچه این مسئله را ادبیات قرن ۱۲ روشن می سازد، زبان فرانسه با انگلو ساکن آمیخته در نتیجه انگلیسی این دوره اگر چه اساس آن بر انگلو ساکن بنا نهاده شده بود اما لفاظ فرانسه را بیشتر در خود جاداده، در اواخر قرن ۱۳ و تطویل دوره، لیزابت لسان انگلیسی چنان پیشرفتی حاصل کرد که دوره اول ترقیات خود را پیموده بنام انگلیسی وسطی موسوم گردید. این ادوار را نمیتواند خط فاصلی از هم جدا گردانند زیرا لزابت در بیج در پیشرفت ادبیات نمیتوان گفت در کدام آوان انگلیسی وسطی خاتمه پذیرفته و انگلیسی امروزه روی کار گردید. دوره انگلیسی وسطی شرف

اولین ادیب بزرگ زبان انگلیسی را بنام چا سردار است.



منظره فشنک عمومی جیل السراج که با بتخترا تئور می‌کند. متعلق شهاده ۱۰ سال ه آینه



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اولین نویسنده انگلیسی

چاسر : در حدود (۱۳۲۸-۱۴۰۰)

زمانیکه در انگلیستان انواع مختلف زبان انگلیسی گفته میشد و هیچیک سلسله ادبی درین زمان وجود نداشت چاسر درشده گفتارهای « زمین متوسط » می نوشت و در نتیجه آنست که سنگ اساس انگلیسی جدید با بر سبک گفتارهای آن خطه نهاد شد . چاسر ادبیات حقیقی انگلیسی را بروی کار آورد ، مهمترین آن : چاسر کتاب اوست بنام قصص « کانتبری » که مجموعه قصص منظومی بوده شباهتی به « دی کامرن » و « بوکاکیو » دارد . در آن زمان رسم رفتن بسفر مقدس برای زیارت « نوماس - ای کت » در کانتبری جایکه علاج های معجز آجرا و تمام انواع فوئد روحی حاصل میگردد بد معمول بود ، علاوه برین این مسئله برای این ادیب موقع سفر را میداد . اهمیت و طوالت این سفر عده از زائرین را وادار ساخت که بطور سفر نفریحی عازم گردند .

چاسر اوضاع این گره را در حالیکه در احاطه گرد آمده افسانه گوئی میکنند در د بیباچه کتاب خود تصویر میکنند ، حقیقتاً هیچیک تصویر « معاصر حیات قرن ۱۴ » را نسبت به چاسر که در د بیباچه کتاب خود ترسیم نموده وجود ندارد زیرا اخلاق و طرز معاشرت تمام طبقات جامعه را بطرز مرغوبی و پیشگاه خواننده میکند و از بنجا معلوم میشود که : - فهم و فراست چاسر در ادراک طبیعت بشری خیلی بلند بوده است .

چاسر رهنمای راس در انگلیستان و اولین کسی است که اثر این بیداری بزرگ ادبی را احسن کرده است .
« لول » در حق او میگوید : -

چاسر یکی از جمله سه یا چهار نفر افسانه نوپسان بزرگ دنیا است . او یکی

از بهترین شعر ائیسست که زبان انگلیسی را بیک دلچسپی خوبی قابل ساز و سرود ساخته است و بالاخر چاسر کبیسست که آهنگ او شنگی های او با لهجه خیا لالتش یکنواخت میباشد.

عصر الیزابت (۱۵۵۸-۱۶۰۳)

دوره الیزابت را عصر طلایی می نامند. درین دوره. رئانس در انگلستان با وج رفعت نائل کرد بد ملت انگلیس عظمت سیاسی را از آن زمان تا باین وقت بدست آورده است. علاوه برین عصر الیزابت ولیم شکسپیر را که یکی از بزرگترین نویسندگان ادبیات انگلیسی میباشد بوجود آورده است.

زمان الیزابت حب مخا طره طلبی و ماجراجوئی ' اشتیاق جدیت و کرسی ' و بالاخر رفع انرا تکیه مبنی بردفع و امتناع نمودند و وجودیت بزرقی را دارا بود. روح ماجراجوئی و مخا طره طلبی عده کثیری از مردمان را بسوی مشاغل عسکری و استفاده از منابع بحری سوق داد و در حقیقت اکثر این مخا طره طلبان مانند 'فرانس در بک' و 'پرسر و التز و بلی' در اوقات بیکاری خود دزدان بحری گردیده بسوی بحار هسپانیه یا ختہ جهازات هسپانیولی را تهبیب داده اموال آنرا فاتحانه نزد ملکه می آوردند.

واقعه مهم سیاسی دوره الیزابت عبارت از مخالفت او با هسپانیه است. هسپانیه درین زمان اثرات حاکمانه در کار و بار او روپا داشته و سرعت زیادی در تسخیر اراضی مکشوفه برجد بد مشغولیت داشت. آنتس این کشمکش در سال ۱۵۸۷ هنگامیکه هسپانیه سفاین جنگی خود را بنام 'دسته مغلوب ناشدنی' بحمله بر انگلستان و ادانت بدرجه انتها استعمال پذیرفت این دسته مغلوب ناشدنی بدون کدام مقاو متی مغلوب گردید و آغاز دوره زوال دوات هسپانیه را بر صفحات تاریخ باخط روشنی نشان داد.

تصیر الیضات از حیث فوقیت، برتری پر، ههای تمثیلی سرآمد اعصار دیگر بوده و در نتیجه همین است که ادبیات ایندوره تماماً صورت در امارا که بهترین و سیله افاده است بخود میگیرد. آثار شکسپیر، مارلو، جانسن تماماً شامل داستانهایی تمثیلی است، کو تاه بگوئیم دراما در هیچ دوره به چنین عظمت و شکوه نائل نگردد. و در ادبیات چنان مقام ارجندی را احراز نکرده. مردمان دوره الیضات و شکسپیر تصور میکردند که: دنیا تماماً صحنه تمثیلی است که نفوس آن بلااستثنا کاربکر این صحنه بوده و هر که در نوبه خود بوسی پردهها را نمایش میدهد.

در عصر الیضات بعد از دراما میدان بازی رول ههای بزرگی را غزلسرائی اشغال کرده بود، چه تمام داستانهایی تمثیلی در غزلیات نوشته شده و مورخین ادبی شعرای این شعبه را هم یا به شکسپیر می دانند.

و ایام شکسپیر

(۱۵۶۴ - ۱۶۱۶)

شکسپیر بزرگترین نویسندگان است که محیط انگلستان آنرا پرورده و بوسی اشخاص او را بزرگترین ارباب قلم در دنیا اعلام میکنند. مولداورد در ستارت فرورد آن ایون، برای زائرین ادبی زیارتی را تشکیل داده است. آثار این شاعر شهر که بار بار طبع و نشر گردیده، ترجمه و تحت بحث قرار داده شده اند شامل يك عدد زیاد داستانهایی تمثیلی و منظومه طویل و يك سلسله غزل ههای ۴ ابیتی با قوافی مخصوص میباشد. شکسپیر مواد شعری خود را از منابع مختلفه گرفته قصص و اخلاق قدما را در مورد احتیاج خود بکار می برد یعنی وقایع داستانهایی او ابداعی نیستند.

شکسپیر در عرصه حیات خود ارتباط زیادی با صحنه تمثیل داشته و در نتیجه بیک علمیت

درستی و راجع بدر اما نائل گردیده است، داستانهایی نمیشاید او عموماً در پنج برده تقسیم گردیده اند که هر يك از آنها بنسب خود دارای چندین برده یا بنظر دیگر میباشد. شكسپیر اصول در اعیای ارستول را در هم شکسته مانند قه، مافرا داده است که يك داستان نباید زیاده از يك روز را اشغال کند بلکه حتماً در يك نقطه انجام بیاید.

شكسپیر در داستانهایی نخستین خود قافیه را استعمال میکرد ولی بعد از کمی طرز گفتار نظم ساده و بی قافیه را که بهترین وسیله افاده است پدید آورد. داستانهایی نمیشاید بزرگ اردر از چهار پنج و ندی، تفاوت دارای قطعات منظوم در مواضع، مخصوص نوشته شده اند.

رو حیات و اخلاق این شاعر بزرگ با وجود عمومیت و عدم انحصار آن بزمان و مکان طبعاً دارای انعکاس بزرگی با روحیات مردمان معاصر است. و وقت او در سیاست هم مانند انگلستان دوره الیزابت و نکات و لطائف و تخصیص بکار بردن او در الفاظ بارو حیات و اخلاق معاصرین او بسی توافق و آدا است.

شكسپیر در طرز اجتماع و لهجات عمومی در آثار داستانهایی خود هم يك دیگر آثار در اعیای آن دوره بنظری خورد ولی همدردی و موافقت او با تمام قسام و جمیع حالات بشر اخلاق و ظرفیات او، استعداد شعری او، آواز در هم قطاران شعرای بزرگ امتیاز می بخشد.

رتال جامع علوم انسانی

اسلوب ادبیات تغییر پذیر است ولی عادات فطری نوع بشر همیشه یکسان میماند و آنکه بیکه قلب بشر بر ابا چنین رقت و دلسوزی عمر می تفسیر و ترجمانی میکند مصداق آن حقیقتاً شكسپیر شده میتواند: